



دانشگاه بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

نگاه متفاوت عرفا به بهشت و دوزخ با تکیه بر آثار قرن هفتم

استاد راهنما:

دکتر احمدرضا کیخای فرزانه

استاد مشاور:

دکتر عباس نیکبخت

تحقیق و نگارش:

حسن حسن‌زهی سیاه‌خانی

اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲

## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان نگاه متفاوت عرفا به بهشت و دوزخ با تکیه بر آثار قرن هفتم قسمتی از برنامه‌ی آموزشی دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو حسن حسن زهی سیاه خانی راهنمایی استاد پایان نامه دکتر احمد رضا کیخای فرزانه تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه‌ی تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می‌باشد.

حسن حسن زهی سیاه خانی

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می‌شود و در تاریخ \_\_\_\_\_ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما: دکتر احمد رضا کیخای فرزانه

استاد راهنما:

استاد مشاور: دکتر عباس نیکبخت

داور ۱:

داور ۲:

نماینده تحصیلات تکمیلی:

## تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب حسن حسن‌زهی سیاه‌خانی تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: حسن حسن‌زهی سیاه‌خانی

امضاء

## سپاسگزاری

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که به ما هستی بخشید و به طریق دانش رهنمونمان ساخت و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را، روزیمان ساخت. سپاس از تقدس نامش که همواره آغازگر عبور از اضطراب تجربه‌های مکرر است. بر خود بایسته می‌دانم از راهنمایی‌های پدران و مهربانی و سعه صدر استاد راهنمای این رساله جناب آقای دکتر احمد رضا کیخا فرزانه که همواره روشنگر راهم بوده اند تا این رساله هرچه بهتر به فرجام برسد و همچنین از استاد مشاور این رساله جناب آقای دکتر عباس نیکبخت که با راهنمایی‌های پدران یاریگرم بوده‌اند کمال سپاسگزاری و امتنان را داشته باشم و از درگاه احدیت خواستار سلامتی و توفیق روز افزون این عزیزان هستم و از تمامی اساتید گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان که در طی این دو سال خوشه چین علم و اندیشه آنها بوده‌ام تشکر و قدردانی می‌نمایم. سپاس و قدر دانی خود را به گام‌های استوار پدر و دستان پر مهر مادرم تقدیم می‌دارم که همواره پشتیبان و مشوقم بوده‌اند و همچنین از برادرها و خواهرهای عزیزم به خاطر همفکری و پشت‌گرمی شان قدردانی می‌کنم و سپاس بی‌کران از دوستان مهربانم که لحظه لحظه‌ی با هم بودنمان را با تمام وجود دوباره آرزو می‌کنم.

باتشکر حسن حسن‌زهی سیاه‌خانی

## چکیده

از دیر باز تاکنون تعاریف بسیار و متفاوتی در شاخه و حوزه‌های گوناگون از ادبیات شده است. در حوزه‌ی عرفان، حجم عظیمی از آثار ادبی، به نثر و به نظم، هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی، در دست است که حتی برشمردن نام آنها مشکل است. محتوای این آثار متنوع است و از حکمت و فلسفه و تفسیر و تأویل قرآن و حدیث گرفته تا بیان نظری عقاید و اصطلاحات صوفیانه و بیان عشق و معرفت و بهشت و دوزخ را در بر می‌گیرد؛ بهشت و دوزخ این دو مکان نعمت و نعمت، سرای ابدی و مکان نهایی هر انسانی‌اند که در این جهان با اعمال و رفتار خود آن را مشخص می‌کنند، در توصیف این دو مکان تعاریف زیادی ارائه شده است. اما قبل از وارد شدن به آنها، عقبه‌ها و گردنه‌های زیادی وجود دارد که عبور از آنها ناگزیر است که اولین مکان پس از مرگ عالم برزخ(قبر) و سپس عالم حشر و صراط و در نهایت بهشت و دوزخ است که در مورد هر کدام در منابع و کتب دینی ما و همچنین در تمامی ادیان آسمانی بحث به میان آمده است؛ اما در این مورد عرفا سهم عمده‌ای به خود اختصاص داده اند. در این تحقیق ابتدا به مبحث ادبیات، خصوصاً ادبیات عرفانی و مولفه‌های مطرح شده در آن و سپس به نقد و نظر عرفای بنام قرن هفتم پیرامون بهشت و دوزخ پرداخته شده است. این رساله در پنج فصل تدوین شده که در فصل اول در مورد کلیات تحقیق است. و شامل مواردی همچون (مقدمه، تعریف مساله و بیان سوال اصلی تحقیق است، سابقه و ضرورت انجام تحقیق، فرضیه‌ها، اهداف، چه کاربردهایی از این تحقیق متصور است، نوآوری طرح در چیست، روش انجام تحقیق، جامعه آماری و تعداد نمونه، ادبیات، ادبیات عرفانی)، می‌باشد. و در فصل دوم به مولفه‌های مشترک بین عرفای و شعرا(مرگ، عشق، عشق حقیقی و مجازی) و در فصل سوم بهشت و دوزخ(برزخ، قیامت، قیامت صغرا، قیامت کبری، محشر، اوصاف محشر، پل صراط، بهشت، ناهای بهشت، طبقات بهشت، نعمت‌های بهشتی، رویت پروردگار، درب‌های بهشت، دوزخ، طبقات دوزخ، آفرینش بهشت و دوزخ، بهشت و دوزخ از دیدگاه قران و سنت) فصل چهارم دیدگاه عارفان نسبت به بهشت و دوزخ بطور کلی یعنی قبل و بعد از قرن هفتم کسانی همانند(حسن بصری، ابراهیم بن ادهم، رابعه عدویه، ذالنون مصری، بابزید بسطامی، ابو سلیمان دارابی، ابو تراب نخشبی، یحیی معاذ رازی، ابو علی دقاق، ابوالحسن خرقانی، شیخ علی رودباری، ابو سعید ابوالخیر، عین القضات همدانی، سنایی، گمال خجندی) و در فصل پنجم دیدگاه عرفای شاخص قرن هفتم(علاء الدوله سمنانی، عطار، بهاء ولد، ابن عربی، مولانا، سعدی، عراقی، سلطان ولد) نسبت به بهشت و دوزخ پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات، ادبیات عرفانی، بهشت، دوزخ، عرفای بنام قرن هفتم، رویت، حور.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- تعریف مساله و بیان سوال اصلی تحقیق
۳	۳-۱- سابقه و ضرورت انجام تحقیق :
۳	۴-۱- فرضیه ها
۳	۵-۱- اهداف
۴	۶-۱- چه کاربرد هایی از این تحقیق متصور است
۴	استفاده کننده گان از نتایج پایان نامه
۴	۷-۱- نوآوری طرح در چیست؟
۴	۸-۱- جامعه آماری و تعداد نمونه :
۴	روش تجزیه و تحلیل
۴	۹-۱- ادبیات
۷	۱۰-۱- ادبیات عرفانی
۱۱	۴. فصل دوم
۱۱	مولفه های مشترک بین عرفا و شعرا
۱۲	۱-۲- مرگ
۱۵	۲-۲- عشق
۱۷	۳-۲- عشق حقیقی و مجاز

۱۷	۲-۳-۱-عشق مجازی :
۱۸	۲-۳-۲-عشق حقیقی :
۲۱	۱-۳- بهشت و دوزخ
۲۱	۲-۳-برزخ:
۲۲	۳-۳-قیامت :
۲۲	۱-۳-۳- قیامت کبری
۲۳	۲-۳-۳- قیامت صغری
۲۳	۳-۳-۳- محشر
۲۴	۴-۳-۳- اوصاف ومشخصات صحرای محشر
۲۵	۵-۳-۳- پل صراط
۲۶	۴-۳- بهشت و دوزخ
۲۷	۱-۱-۴-۳- نامهای بهشت
۲۹	۲-۱-۴-۳- طبقات بهشت :
۳۱	۳-۱-۴-۳- نعمت های بهشتی
۳۱	۴-۱-۴-۳- رویت پروردگار
۳۳	۵-۱-۴-۳- درب های بهشت
۳۴	۶-۱-۴-۳- تنها راه بسوی بهشت
۳۴	۲-۴-۳- دوزخ:
۳۶	۱-۲-۴-۳- طبقات دوزخ:
۳۶	۱-۱-۲-۴-۳- الجحیم:
۳۷	۲-۱-۲-۴-۳- جهنم:
۳۷	۳-۱-۲-۴-۳- السعیر:

۳۷	۳-۴-۲-۱-۴- الهویه:
۳۷	۳-۴-۲-۱-۵- سقر:
۳۸	۳-۴-۲-۱-۶- الحطمه:
۳۸	۳-۴-۲-۱-۷- لظی
۳۹	۳-۵-۱- آفرینش گذشته:
۴۱	۳-۵-۲- آفرینش آینده
۴۲	۳-۶- بهشت و دوزخ از دیدگاه قرآن و سنت:
۴۳	۳-۷- منظور از درهای بهشت و دوزخ:
۴۹	۴-۱- حسن بصری
۴۹	۴-۲- ابراهیم ادهم
۴۹	۴-۳- رابعه العدویه
۵۰	۴-۴- ذوالنون مصری
۵۰	۴-۵- با یزید بسطامی
۵۱	۴-۶- ابو سلیمان دارابی
۵۲	۴-۷- ابو تراب نخشی
۵۲	۴-۸- یحیی معاذ رازی
۵۳	۴-۹- ابو علی دقاق
۵۳	۴-۱۰- ابو الحسن خرقانی
۵۴	۴-۱۱- شیخ علی رود باری



۵۴	۱۲-۴- ابو سعید ابو الخیر
۵۵	۴-۱۳- عین القضاة همدانی
۵۶	۴-۱۳-۱- نگاه عین القضاة همدانی به بهشت و دوزخ:
۵۷	۴-۱۴- سنایی
۵۷	۴-۱۴-۱- نقد و نظر سنایی غزنوی در مورد بهشت و قیامت
۶۰	کمال خجندی
۶۵	۵-۱- علاء الدوله سمنانی
۶۵	۵-۱-۱- دیدگاه علاء الدوله سمنانی به بهشت و دوزخ
۶۷	۵-۲- عطار
۷۱	۵-۲-۱- دیدگاه عطار نسبت به بهشت و دوزخ
۷۲	۵-۲-۲- عوامل ورود به بهشت
۷۲	۵-۲-۲-۱- درویش دوستی
۷۲	۵-۲-۲-۲- سخاوت‌مندی
۷۲	۵-۲-۲-۳- شکر و صبر و استغفار و ترس از خدا
۷۳	۵-۲-۳- عوامل ورود به دوزخ
۷۳	۵-۲-۳-۱- بخل
۷۴	۵-۲-۳-۲- جهل
۷۴	۵-۲-۳-۳- نفاق
۷۴	۵-۲-۳-۴- رعایت نکردن حال یتیمان
۷۵	۵-۳- بهاء ولد

۷۷	۵-۳-۱- نقد و نظریه‌ها و ولد در مورد بهشت
۸۵	۵-۴-۱- ابن عربی
۸۷	۵-۴-۱- بهشت و دوزخ از دیدگاه ابن عربی
۸۸	۵-۴-۲- تجسم اعمال
۸۹	۵-۴-۳- تقسیم بندی جنت بسته به اعمال بندگان و قرب آنها به خداوند
۸۹	۵-۴-۳-۱- جنت
۹۰	۵-۴-۳-۲- جنت اطلاق
۹۰	۵-۴-۳-۳- جنت افعال
۹۰	۵-۴-۳-۴- جنت حقیقی
۹۰	۵-۴-۳-۵- جنت خاص
۹۰	۵-۴-۳-۶- جنت ذات
۹۰	۵-۴-۳-۷- جنت صفات
۹۰	۵-۴-۳-۸- جنت محبان
۹۰	۵-۴-۳-۹- جنت وحدت
۹۰	۵-۴-۳-۱۰- جنت وراثت
۹۱	۵-۴-۱- جنت عدن
۹۱	۵-۴-۲- جنت وسیله
۹۱	۵-۴-۳- جنت کثیب
۹۲	۵-۴-۱- جنات اعمال- درجات و منازل آنها:
۹۲	۵-۴-۶- درجات بهشت بواسطه کمال عرضی است نه کمال ذاتی

- ۹۴ ۷-۴-۵۹۲-درجات بهشت بر شمار درکات دوزخ می-باشد
- ۹۴ ۸-۴-۵-چهارصنف بهشتیان:
- ۹۵ ۹-۴-۵-مقامات بهشتیان در بهشت:
- ۹۵ ۱۰-۴-۵-بهشت خیری است که در آن شری نیست و دوزخ شری است که در آن خیری نیست
- ۹۷ ۱۱-۴-۵-جنات نیک بختان و سعادت مندان:
- ۹۸ ۱۲-۴-۵-مراتب مردمان در نعیم و خوشی بهشت
- ۹۹ ۱۳-۴-۵-راحت و آسایش و رحمت مطلق در بهشتیان و دوزخیان
- ۱۰۰ ۱۴-۴-۵-نعمت های جنات اختصاص
- ۱۰۱ ۱-۱۴-۴-۵-حور عین
- ۱۰۱ ۲-۱۴-۴-۵-دارالسلام
- ۱۰۱ ۳-۱۴-۴-۵-لولو
- ۱۰۱ ۱۵-۴-۵-ظلمت جهنم است و کدام ظلمت و کدام جهنم بزرگتر از جهل می-باشد
- ۱۰۲ ۱۶-۴-۵-حال دوزخیان در رستاخیز مانند حال بیمار است در دنیا
- ۱۰۳ ۱۷-۴-۵-عذاب دوزخیان در دوزخ جاودانگی در آتش است
- ۱۰۵ ۱۸-۴-۵-جهنم زندان معطلان و بازداشتگاه کافران است
- ۱۰۵ ۱۹-۴-۵-آیا جهنم آفریده شده است و یا اینکه هنوز خلق نشده؟
- ۱۰۶ ۲۰-۴-۵-گرمای جهنم و افروزیته اش:
- ۱۰۶ ۲۱-۴-۵-رنج ها درد های جهنم از صفت الهی است که بر اهلش نازل می-شود:
- ۱۰۷ ۲۲-۴-۵-منافقان در طبقه زیرین جهنم اند:
- ۱۰۷ ۲۳-۴-۵-ستیز دوزخیان در دوزخ:
- ۱۰۸ ۲۴-۴-۵-درهای هفتگانه جهنم و پاسبانانش:
- ۱۰۸ ۲۵-۴-۵-محدوده جهنم - پس از حساب- و دخول در بهشت :
- ۱۰۹ ۲۶-۴-۵-روز تغابن (به زبان افکندن یکدیگر)روز عذاب نفوس است

- ۱۰۹-۴-۵-۲۷-جهنم عبارت از دردها و رنجهای اهلش می‌باشد
- ۱۱۰-۴-۵-۲۸-درکات و گودال های صدگانه جهنم و آتش بانان ان:
- ۱۱۰-۴-۵-۲۹-منازل دوزخ برای دوزخیان:
- ۱۱۱-۴-۵-۳۰-آنچه که بدان، بین بهشتیان و دوزخیان اشتراک و امتیاز واقع میشود:
- ۱۱۲-۴-۵-۳۱-فضل و کرم و رحمت الهی بر دوزخیان-(در عین آتش) :
- ۱۱۲-۴-۵-۳۲-درهای جهنم
- ۱۱۳-۴-۵-۳۳-عاقبت دوزخیان
- ۱۱۴-۴-۵-۳۴-در سرمدیت غذایی که عبارت از درد و رنج باشد نصی نیامده:
- ۱۱۴-۴-۵-۳۵-سیر روح در برزخ:
- ۱۱۴-۴-۵-۳۶-مرگ نفس ناطقه به سبب عدم علم است
- ۱۱۵-۴-۵-۳۷-آن صراطی که تو را به بهشت می رساند، صراط هدایتی است که...
- ۱۱۵-۴-۵-۳۸-کیفیت صور:
- ۱۱۵-۴-۵-۳۹-مرگ های چهارگانه نزد صوفیان:
- ۱۱۶-۴-۵-۴۰-برزخ حد فاصل دو چیز است- بدون تجاوز:
- ۱۱۶-۵-۵-بابا افضل کاشانی:
- ۱۱۷-۱-۵-۵-آثار:
- ۱۱۷-۵-۵-۲-بهشت و دوزخ از دیدگاه بابا افضل کاشانی:
- ۱۱۹-۵-۵-۳-اسباب ورود به بهشت و دوزخ از نظر باباافضل:
- ۱۲۰-۶-۵-مولانا :
- ۱۲۲-۶-۵-۱-نگاه مولانا به بهشت و دوزخ:
- ۱۲۶-۷-۵-سعدی:
- ۱۲۸-۷-۵-۱-نگاه سعدی به بهشت و دوزخ
- ۱۳۴-۸-۵-فخر الدین ابراهیم عراقی همدانی

۱۳۵	۵-۸-۱- آثار عراقی
۱۳۵	۵-۸-۲- دیدگاه عراقی نسبت به بهشت ودوزخ
۱۳۸	۵-۹- سلطان ولد
۱۳۸	۵-۹-۱- آثار سلطان ولد
۱۳۹	۵-۹-۲- دیدگاه سلطان ولد نسبت به بهشت ودوزخ
۱۴۳	نتیجه گیری
۱۴۵	منابع

فصل اول

کلیات

## ۱-۱- مقدمه

بهشت و دوزخ یک موضوع بسیار قابل بحث است که در طول تاریخ همگان بدان پرداخته‌اند، چون ذات بشر خواسته یا ناخواسته باید به یکی از این دو مکان راه یابد. بهشت جای سعادت و خوشبختی و دوزخ جای شقاوت و بدبختی است. هر کسی در هر کجا و در هر مقام و منصبی باشد به دنبال سعادت خویش است و همین میل درونی سبب شده که در پی یافتن راهی برای نیل به این هدف باشد. خداوند مهربان برای راهنمایی بشر به راه سعادت، کسانی را به عنوان قدوه و راهنما معرفی کرده است. این افراد که همان پیامبران الهی هستند، یکی پس از دیگری آمده و به انجام رسالت پرداخته‌اند. تا دوره به ختم رسل - محمد (ص) - رسید. بعد از ایشان این مهم بر عهده‌ی امت وی گذاشته شد. نسل اولیه از تربیت یافتگان مکتب رسالت به خوبی از عهده‌ی کار برآمدند و با کمال افتخار راه سعادت را به بهترین شیوه برای بشریت ترسیم کردند؛ اما با فاصله گرفتن از زمان پیامبر، مردم دچار تشقت آرا شدند و مکاتب و گروه‌های زیادی ظهور کردند که هر کدام خود را به عنوان پیشگام و سردمدار امت محمدی معرفی می‌کردند و هر کدام افکار و ایده‌ها و تفاسیر مختلفی از دین ارائه داده و آن را بهترین راه دستیابی به سعادت دانسته‌اند. عرفا یکی از این گروه‌ها هستند که از صدر اسلام در میان مردم وجود داشته‌اند که ایده‌ای مخصوص به خودشان را دارند که ابتدای کارشان با زهد و دنیاگریزی آغاز می‌شود که در انتها به عشق و دوستی معشوق حقیقی (خداوند) می‌رسد. عرفا راه رسیدن به سرای سعادت (بهشت) را راه دل و حب یار می‌دانند و بر این باورند که بهشت همان وصال یار است و چیزی بهتر از آن وجود ندارد که در این رساله سعی خواهد شد به بررسی برخی از دیدگاه‌ها و نظریات عرفا راجع به این موضوع پرداخته شود.

## ۱-۲- تعریف مساله و بیان سوال اصلی تحقیق

یکی از ابواب اصلی ادبیات بعد از اسلام پرداختن به قرآن، مباحث و مسائل مطرح شده در آن از جمله بحث در مورد قیامت، بهشت و دوزخ است. هر چند در تاریخ ادبی ما عرفا و شعرای زیادی در این زمینه مضمون پرداز می‌کرده‌اند؛ اما از قرن ششم با پایمردی عارف فرزانه، نابغه روزگار خویش سنایی غزنوی عرفان به طور رسمی در حیطه ادبیات وارد شده و باب تازه‌ای بر روی ادب دوستان گشوده شد و پس از آن شاعران برجسته‌ای همچون عطار، مولانا، سعدی... ظهور کردند که هر کدام در این اقیانوس بی‌کرانه غوص کرده و از در مکنون آن (عشق) بهره گرفته‌اند و حاصل تجارب خود را با زبانی نمادین برای ما به تصویر کشیده‌اند.

در این پژوهش بررسی خواهیم کرد که آیا بهشت مورد نظر عارفان همان بهشت متشرعین و عوام الناس است که مجموعه‌ای متشکل از (باغ و راغ میوه، شیر و شراب، حور و غلمان است یا خیر؟ آیا همه عارفان در مورد بهشت و دوزخ اتفاق نظر دارند یا خیر؟

آیا قرآن دیدگاه‌های عارفان را تأیید می‌کند؟ آبخور دیدگاه عارفان از کجاست؟

### ۳-۱- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

.....پیرامون این موضوع کم و بیش مطالب پراکنده‌ای وجود دارد که به گوشه‌هایی از این مطلب مهم پرداخته اند؛ اما تا آنجا که جست و جو شد، در این راستا مطلبی جامع و منسجم یافت نشد. با توجه به اهمیت موضوع می‌طلبید که در این زمینه مطالبی هر چه جامع‌تر تهیه شود و دیدگاه عرفا، مخصوصاً عرفای شاخص قرن هفتم بیان گردد.

### ۴-۱- فرضیه‌ها

۱. عرفا نسبت به بهشت و دوزخ دیدگاهی متفاوت از دیگران دارند.
۲. دیدگاه عرفا نسبت به بهشت و دوزخ تقریباً یکسان است.
۳. سخن عارفان همان تفسیر عارفانه مضامین قرآنی است.

### ۵-۱- اهداف

از آنجا که بهشت و دوزخ یکی از معتقدات هر شخص مسلمان است و هر بشری از هر تیره و نژاد و هر قوم مذهبی با آن سروکار دارد. پس همه به نوعی به آن پرداخته‌اند. هر دین، مسلکی و گروه مذهبی با توجه به اعتقادات خود تفاسیر معمولاً متفاوت از دیگران ارائه داده‌اند. لذا ما بر آن شدیم تا به گوشه‌ای از ناب‌ترین مطالب اشاره‌ای داشته باشیم تا شاید مایه‌ی هدایت خود ما باشد و هم بتوانیم پویندگان راه حقیقت را به شاهراه هدایت راهنمایی باشیم. ۲- دیدگاه عرفا را نسبت به بهشت و دوزخ بررسی کنیم. ۳- مطالب مطرح شده را با هم مقایسه کنیم.



## ۱-۶- چه کاربردهایی از این تحقیق متصور است

امید است که به عنوان الگویی مناسب برای پویندگان دریای معرفت قرار گیرد و با نقل و انتشار صحیح-ترین و ناب‌ترین روایات و دیدگاه‌های عرفا کمک شایانی به فرهنگ ادبی عرفانی باشد.

### استفاده‌کننده‌گان از نتایج پایان نامه

اساتید و دانشجویان رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، طلاب حوزه‌های علمیه و تمامی علاقه‌مندان به مطالعه در زمینه ادب عرفانی.

## ۱-۷- نوآوری طرح در چیست؟

ارزیابی دقیق و روشمند ادبیات عرفانی و نظر عرفای شاخص قرن هفتم در مورد مسائل عرفانی مربوط به بهشت و دوزخ و مقایسه دیدگاه آنان نسبت به دیگر فرق اسلامی.

### روش انجام تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده و اساس آن در بخش تئوریک بر کتاب‌های مربوط به عرفای قرن هفتم بوده است.

## ۱-۸- جامعه‌ی آماری و تعداد نمونه

اشعار مسعود خجندی، علاءالدوله سمنانی، مولانا، عطار، بهاء‌ولد، سلطان ولد، عراقی، سنایی و...

### روش تجزیه و تحلیل

پس از جمع‌آوری اطلاعات و دسته‌بندی، به تجزیه و تحلیل و سرانجام به مقایسه‌ی داده‌ها پرداخته شد.

## ۱-۹- ادبیات

«ادبیات عبارت است از: آنگونه سخنانی که از حد سخنان عادی برتر و والاتر بوده است و مردم آن سخنان را در میان خود ضبط و نقل کرده‌اند و از خواندن و شنیدن آنها دگرگون گشته و احساس غم و شادی یا لذت کرده‌اند» (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۲۵).

«ادب واژه‌ای معرب از فارسی است، این واژه از دیدگاه واژه‌شناسان به معنی ظرف و حسن تناول آمده‌است» (دهخدا، ۱۳۴۵). برخی نیز در فارسی، ادب را به معنی فرهنگ ترجمه کرده‌اند و گفته‌اند که ادب یا فرهنگ همان دانش می‌باشد و با علم فرق چندانی ندارد؛ اما ادب در معنی اصطلاحی آن از دیدگاه ادبای قدیم کمی مختلف است. بعضی آن را فضیلت اخلاقی، برخی پرهیز از انواع خطاها و برخی آن را مانند فرشته‌ای دانسته‌اند که صاحبش را از کارهای ناشایست باز می‌دارد.

علم ادب (ادبیات) یا سخن‌سنجی از دیدگاه پیشینیان اشاره داشته است به دانش آشنایی با نظم و نثر از جهت درستی و نادرستی و خوبی و بدی و مراتب آن؛ اما برخی ادیب را کسی می‌دانستند که عالم بر علوم نحو، لغت، صرف، معانی، بیان، عروض، قافیه و فروع باشد و برخی خط، قرض الشعر، انشاء، محاضرات (گفتگو) و تاریخ را هم جزو آنها دانسته‌اند.

یکی از تعریف‌های جامع از علم ادب را احمد شاهی در کتاب «جواهرالادب» آورده است وی این علم را شامل چهار رکن دانسته که به این شرح هستند:

۱. قوای فطری و عقلی: که شامل هوش، خیال، حافظه، حس و ذوق می‌شود.
۲. قوانین و اصول نظم و نثر و حسن تألیف و انواع انشا و شعر و فنون سخن‌رانی.
۳. مطالعه‌ی آثار شیوا سخنان و پژوهش کامل در جرئیات آنها.
۴. کوشش بسیار در جهت تسلط بر سبک‌های ادبای قدیم و پیروی از زبان‌آوران و شیوا سخنان در حل و عقد نظم و نثر.

واژه‌ی ادبیات بسته به این که چه کسی آن را به کار ببرد معانی متفاوتی می‌یابد. ادبیات را می‌توان برای اشاره به هر نوع مدرک نمادین مانند تصویر نیز استفاده کرد. امام جعفر صادق فیلسوف و دانشمند مسلمان، ادبیات را به این شکل توصیف کرده‌است: «ادبیات، لباسی است که شخص بر تن گفته‌ها و نوشته‌های خویش می‌کند تا آن را زیباتر جلوه دهد» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۴۱۲). ادبیات، در مفهوم عام کلمه، به تمام آثار مکتوب برجای مانده از گذشته اطلاق می‌شود. در حوزه‌ی عرفان، حجم عظیمی از آثار ادبی، به نثر و نظم، هم به زبان

فارسی و هم به زبان عربی، در دست است که حتی برشمردن نام آنها مشکل است. محتوای این آثار متنوع است و از حکمت و فلسفه و تفسیر و تأویل قرآن و حدیث گرفته تا بیان نظری عقاید و اصطلاحات صوفیانه و بیان عشق و معرفت و نقد عقل و اثبات موافقت طریقت با شریعت و اخلاق و آداب و رسوم خانقاهی و سرگذشت مشایخ و بیان رؤیاهای و مکاشفات و سخنان وجدآمیز و شطحیات صوفیه را در بر می‌گیرد.

نگاه صوفیه به شریعت، هستی انسان و سرانجام و مقصد او و نیز طبیعت و خدا، نگاهی خلاف عادت و مبتنی بر ذوق و قلب و استنباطی نو از دین بوده است؛ از این رو، حتی بسیاری از آثار منشور آنان نیز رنگ و بویی شاعرانه دارد و در قلمرو ادبیات، به مفهوم خاصّ جای می‌گیرند که عنصر زیبایی، عاطفه، ابهام در بیان کیفیت طرح مضامین و اندیشه‌های بدیع و خلاف عادت در آنها تشخّص دارد.

استنباط‌های نو از دین و تجارب شخصی، چون با زبانی به بیان در می‌آیند که مولود تجارب حسی و عمومی است، نظام نشانه شناختی زبان را از صورت آشنا و طبیعی آن منحرف می‌کند و آن را به صورتی نا آشنا درمی‌آورد که ارتباط میان متن و خواننده را محتاج تأمل می‌کند.

ادبیات یا سخنگان به مجموعه سخن‌های انسانی که در قالب‌های گفتاری، نوشتاری و یا دیگر قالب‌ها مانند قالب الکترونیکی گرد آمده باشند گفته می‌شود. ملت‌ها و تیره‌ها همانگونه که دارای نهادها، مکتب‌های فلسفی یا دوران‌های تاریخی هستند، می‌توانند دارای ادبیات نیز باشند. در باور همگانی ادبیات یک تیره یا ملت برای نمونه مجموعه متنی است که آثار ماندگار و برجسته پیشینیان و هم روزگاران تیره و ملت را تشکیل می‌دهند. یکی از طبقه‌بندی‌های مشهور و پرکاربرد متن‌های ادبی، طبقه‌بندی دوگانه ایست که بر اساس آن متن‌ها به دو گونه‌ی اصلی شعر و نثر تقسیم می‌شوند. این طبقه‌بندی سنت دیرینه‌ای در زبان فارسی و ادبیات جهان دارد. سخنوران و فیلسوفان از دیرباز در پی پررنگ کردن خط ظریف میان این دو و ارائه‌ی تعریفی فراگیر و تمیزدهنده از شعر و نثر بوده‌اند.

## ۱-۱۰-۱ ادبیات عرفانی

«ادبیات عرفانی یا ادبیات صوفیانه، قسمتی از میراث منشور و منظوم ادبی است که شاعران عارف یا عارفان شاعر، تحت تاثیر مشرب تصوف بوجود آورده‌اند و دربرگیرنده بخش عظیمی از ادبیات پارسی است. برای شناخت این نوع ادبیات لاجرم باید پدید آورندگان آن، یعنی صوفیه و عرفا را شناخت. تصوف یک مشرب

فکری است که تقریباً از قرن دوم هجری قمری بطور رسمی مطرح شد و سابقه تعلیم آنان به زمان پیامبر(ص) و اهل صفه - کسانی که در اثر تعلیمات پیامبر(ص) و از سوی دنیا زدگی جانشینان پیامبر بعد از خلفا(رض) به زهد و دنیاگریزی روی آوردند- می‌رسد و کم کم اقلیت خاص فکری را شکل دادند. اولین چیزی که در بین آنان مطرح شد، مذمت دنیا و خواهش نفسانی بود، سپس عشق به خدا و طلب او که مرکز خواسته‌ها و هدف - نهایی اعمالشان قرار داشت. از همین جاست که تعلیمات و سخنان آنان دو دسته می‌شود.

دسته‌ای به وعظ و اندرز(ادب تعلیمی) و دسته‌ای به جذب و عشق (ادب عاشقانه) می‌پردازند. بعدها میراث عظیمی تحت عنوان ادبیات عرفانی از آنها به جای ماند که از این مشرب فکری تغذیه می‌نمود. تصوف که از مشرب ذوق و الهام سر چشمه می‌گیرد، البته با شعر و شاعری که نیز از همین لطیفه نهانی برمی‌خیزد، مناسبت تمام دارد؛ اما با این همه، صوفیه که در آغاز اهل زهد و پرهیز بوده‌اند، به همان نسبت در اوایل، چندان میل و رغبتی به شعر و شاعری نشان نمی‌دادند، درست است که اشعاری به بعضی از قدماء صوفیه مثل ذوالنون مصری و یحیی بن معاذ رازی و دیگران نسبت داده‌اند؛ اما این گونه اشعار از زبان و روایت صوفیان که - چندان قابل استناد نیست- به ما رسیده و از طرفی چندان دربردارنده‌ی حکمت و فکر صوفیه نیست. صوفیه معتدل حتی در آغاز، اظهار علاقه به شعر نمی‌کردند، حتی از خواندن قرآن به الحان و شنیدن اشعار کراهیت داشتند»(زرین کوب، ۱۳۷۳: ۱۴۰).

اولین آغازگر شعر را بین متصوفه ابوسعید ابا الخیر(۳۵۷-۴۴۰) گفته‌اند. ابوسعید برخلاف مخالفت‌های فقها و متشرعان و حتی متصوفه بر سر منبر وعظ، اشعار بسیاری می‌خواندند و از آن تاویل و تفسیر عرفانی می‌کرد. می‌توان گفت شعر صوفیانه فارسی مقارن با اوایل قرن پنجم با ابوسعید ابا الخیر در خراسان رواج تمام یافت. بعد از عهد سلطان محمود غزنوی و پسرش سلطان مسعود به جهت اسباب گوناگون، تصوف در خراسان و عراق رواج تمام یافت و با اینکه فقها خواندن شعر بویژه غزل را بر سر منبر ممنوع کرده بودند؛ با وجود این، روایت ابیات عاشقانه و نقل قصص و حکایات در بین صوفیان رایج بود. رباعیات عین القضاة همدانی و ابو سعید میهنه و اوحدی کرمانی و همچنین غزلیات سنایی و عطار به نمونه رواج شعر را در خانقاه‌ها بدست می‌دهد(همان- باتلخیص و تصرف، ۱۴۲). بعد از ابو سعید سنایی در قرن ششم با وارد کردن حال و هوا و درون مایه‌های عرفانی به ساختار مستحکم قصیده، دیباچه‌ای نو بر ادبیات عرفانی گشود.

سنایی علاوه بر غزلیاتش که سرشار از جذب و حال قلندری و ملامتی است، در ساختار قصیده تم عرفان را وارد کرد و بعد از او عطار نیشابوری در قالب غزل و مثنوی، مفاهیم عالی عرفانی را مطرح ساخت. البته ذکر یک